

مرگ دلخراش؛ پاسخ اعتراض کودک به طلاق

از پرونده سقوط مرگبار کودک 8 ساله از میدان کابلی مشهد صبح روز گذشته در حالی فاش شد که پدر سنگدل این کودک در حضور قاضی ویژه قتل عمد به پرت کردن وی از بالاترین نقطه پل اعتراف کرد.

به گزارش گروه رسانه های دیگر خبرگزاری آنا به نقل از خراسان، بعدازظهر روز دوشنبه گذشته جسد پسر 8 ساله ای که از بالای پل کابلی (میدان امام حسین(ع)) به وسط بزرگراه سقوط کرده بود توجه رانندگان عبوری را به خود جلب کرد و بدین ترتیب با حضور قاضی ویژه قتل عمد در محل وقوع حادثه تحقیقات قضایی در این باره آغاز شد. جسد مربوط به کودکی بود که شلوار لی آبی و بلوز قرمز و سورمه ای به تن داشت اما خودروهای عبوری از روی پیکر بی جان وی عبور نکرده بودند.

به دستور قاضی احمدی نژاد، جسد کودک مجهول الهویه به پزشکی قانونی انتقال یافت و تلاش کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی برای رازگشایی از پرونده «سقوط مرگبار» آغاز شد.

این گزارش حاکی است: در حالی که مشخصات ظاهری کودک مذکور در رسانه های خبری و شبکه های اجتماعی اعلام شده بود، مرد جوانی با مراجعه به پلیس آگاهی و پزشکی قانونی مدعی شد مشخصات درج شده در رسانه ها با علی فرزند گمشده وی مطابقت دارد. این گونه بود که «مرتضی» جسد پسرش را شناسایی کرد و بدین ترتیب تحقیقات قضایی برای مشخص شدن چگونگی سقوط این کودک از بالاترین نقطه پل کابلی مشهد وارد مرحله جدیدی شد. این در حالی بود که پدر بزرگ پدری کودک نیز ادعا کرد نوه اش از خودکشی سخن رانده و اظهار داشته که چون کسی او را دوست ندارد خود را می کشد!!

این اظهارات در حالی روند تحقیقات را به سوی «خودکشی کودک» سوق می داد که قاضی ویژه قتل عمد به چگونگی این سقوط مرگبار مشکوک بود و به همین خاطر قاضی احمدی نژاد با ارسال این پرونده به پلیس آگاهی از کارآگاهان خواست تا درباره زوایای تاریک و گره های کور پرونده بررسی های بیشتری انجام دهند. از سوی دیگر نیز در رسانه ها چنین وانمود شد که احتمال «خودکشی» نیز وجود دارد. اما این سوال مهم که کودک 8 ساله چگونه از منطقه آب و برق مشهد راهی بزرگراه فجر شده است؟ همچنان ذهن مقام قضایی را به سوی یک ماجرای جنایی هولناک می کشاند.

در همین حال مادر مطلقه کودک نیز به پلیس آگاهی احضار شد و از حرف های ضد و نقیض همسر سابقش درباره چگونگی مفقود شدن فرزندش سخن به میان آورد. مقام قضایی با چیدن قطعه های پازل سقوط مرگبار کودک به تکه ای گم شده از این پازل جنایی رسید و پدر کودک را احضار کرد اما او با تکرار اظهارات قبلی خود سعی می کرد با چشمان اشکبارش حقیقت ماجرا را در هاله ای از ابهام قرار دهد. این در حالی بود که قاضی شعبه 208 دادرسی عمومی و انقلاب با پرسیدن چند سوال انحرافی مرد 31 ساله را به تناقض گویی انداخت، او که دیگر داستان سرایی های خود را بر باد رفته می دید ناگهان با صدای بلند گریه کرد و گفت: «خودم او را از بالای پل پرت کردم!» «با این جمله سکوتی حزن انگیز فضای اتاق را فرا گرفت اما پدر سنگدل ادامه داد: مدتی قبل همسرم را طلاق دادم ولی فرزندم همواره از من سوال می کرد چرا مادرم را طلاق دادی؟ این چه زندگی است که برای ما درست کردی؟ تو مرا بدبخت کردی و ... او با این حرف ها مرا آزار می داد. دیگر کلافه ام کرده بود تا این که تصمیم به قتل او گرفتم. آن روز حدود ساعت 2 بعدازظهر بود که پسر 8 ساله ام را سوار بر موتورسیکلت کردم و از بولوار دانشجو وارد بزرگراه صد متری فجر شدم. من حدود 2 سال به عنوان پیک موتوری مشغول به کار بودم و همه نقاط مشهد را مانند کف دستم می شناختم به همین دلیل هم پل کابلی مشهد را انتخاب کردم چرا که این پل ارتفاع زیادی داشت و کسی که از بالای آن پرت می شد احتمال نداشت زنده بماند.

مرد 31 ساله اضافه کرد: وقتی به بالای پل رسیدم بزرگراه خلوت بود او را از ترک موتورسیکلت پیاده کردم و گفتم به آن سوی نرده ها برود تا به منظره های زیرگذر و خودروهای عبوری نگاه کند. اما در یک لحظه و با یک فکر شیطانی از پشت سر او را بلند کردم و به وسط بزرگراه انداختم و سپس به منزلم بازگشتم به هیچ کس چیزی نگفته بودم فقط با همسرم تماس گرفتم و چنین وانمود کردم که «علی» گم شده است. بعد هم موضوع گم شدن فرزندم را به پدرم اطلاع دادم! این در حالی بود که هم عذاب وجدان داشتم و هم از مجازات اعدام می ترسیدم به همین خاطر دروغ هایی را سر هم کرده بودم تا نزد کارآگاهان بازگو کنم!



متهم این پرونده جنایی ادامه داد: روز بعد از قتل فرزندم موتورسیکلت آبی رنگم را نیز به پنجره بردم و آن را به مبلغ 300 هزار تومان فروختم چون از یک ماه قبل بیکار بودم!! اما در عین حال از اعتراف به قتل می ترسیدم تا این که نتوانستم به قصه پردازی هایم ادامه بدهم و مجبور شدم ماجرای قتل پسرم را بازگو کنم. او بچه طلاق بود و به همین دلیل عصبی شده بود. اگرچه من قصد ازدواج نداشتم ولی پاسخی هم برای سوالات فرزندم پیدا نمی کردم تا این که از حدود 24 ساعت قبل از این حادثه تصمیم به قتل او گرفتم و...

پس از اعتراف صریح مرد 31 ساله به قتل دلخراش فرزند بی گناه، وی با صدور قرار بازداشت موقت از سوی قاضی «احمدی نژاد» در اختیار کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت تا تحقیقات بیشتری برای کشف زوایای دیگر این پرونده جنایی انجام شود.

منبع: [خبرگزاری آنا](#)